یادداشت روز

بِسنت خالی بست مستندات چه می‌گویند؟

۱) دولت ترامپ، نه امروز بلکه از یک سال و نیم قبل (و پیش از آن، در دولت قبلی‌اش) همواره ادعا کرده: این، بدترین و آخرین فشار بر ایران است. ترامپ، ۷ سال قبل، از «فشار حداکثری» رونمایی کرد. مقامات آمریکایی دائما تکرار کردند ایران فلج خواهد شد و به زانو درمی‌آید. اما چند سال بعد، اغلب تحلیلگران آمریکایی تاکید کردند: «سیاست فشار حداکثری، شکست فاحشی خورد». این عبارت پرتکرار، ضرب المثلی برای رفتار احمقانه و خودزنانه شد.

۲) هفت سال بعد، وزیر خزانه‌داری آمریکا دوباره با همان ادبیات تهدید نخ‌نما حرف می‌زند. «اسکات بِسنت» در روزنامه فایننشال‌تایمز نوشت: «امروز بزرگ‌ترین حمله مالیِ تاریخ علیه ایران را آغاز خواهیم کرد. کشورهایی که سرنوشت خود را به تهران گره می‌زنند، گزینه پیش روی‌شان، بسته شدن هر مسیر برای دستیابی به رفاه پایدار است و باید انتظار داشته باشند که در انزوای ایران شریک شوند. هرگونه اقدام نظامی علیه نیروهای ما یا کشورهای خلیج‌فارس با واکنشی سریع و قاطع مواجه خواهد شد».

۳) اما وضعیت امروز منطقه، وضعیت هفت سال قبل نیست که ایران منفعل باشد. اگر جنگ اقتصادی را تهدید ۵۰ درصدی در نظر بگیریم، جنگ نظامی، تهدید صد در صدی است. آمریکا، قبلا در جنگ، همه زور خود را زد، اما خفّت‌بارترین شکست پس از جنگ جهانی دوم را متحمل شد. ایران، هفت سال قبل از اهرم تنگه هرمز -که تحلیلگران آن را قوی‌تر از بمب اتمی می‌خوانند- استفاده نکرد. اما امروز پای بر حلقوم ترامپ گذاشته و سقوط مقبولیت به ۳۳ درصد را در آستانه انتخابات کنگره به او حقنه کرده است.

۴) بسنت لاف‌زن می‌داند که یک علت پیروزی انتخاباتی ترامپ، وعده بنزین دو دلاری بود. اما اقتدار ایران و شکست آمریکا در جنگ، موجب شد قیمت بنزین در برخی ایالت‌های آمریکا به ۷ دلار، و متوسط قیمت به ۴.۵ دلار برسد. بسنت می‌تواند بلوف بزند اما اینها، اعترافات به یادگار مانده از خود وی ظرف چند ماه اخیر است که در اثر تحمل فشار اقتصادی و سیاسی کمرشکن ادا شده است:

- (پس از شکست عملیات پروژه آزادی برای گشودن تنگه) قیمت بنزین تا سال آتی میلادی پایین نخواهد آمد.

انتظار می‌رود توافق با ایران در یکی دو روز آینده نهائی شود. ما درک می‌کنیم که در ماه‌های اخیر شرایط سختی سپری شد و افزایش بهای انرژی بخش زیادی از رشد دستمزدها را بلعید، اما ما در حال عبور از این وضعیت بحرانی هستیم.

- به زودی از این وضعیت عبور می‌کنیم. امیدوارم در چند روز آینده با ایران به توافق برسیم و پیشرفت کنیم. قیمت‌ها دوباره به تدریج کاهش خواهند یافت.

۵) نمی‌توان پای در دریای مواج گذاشت و خیس نشد. نمی‌توان گِل بازی کرد، اما خاک و خُلی نشد. نمی‌شود ایران را به زعم خود محاصره دریایی کرد و به زلزله ناشی از انسداد صادرات نفت منطقه و انفجار قیمت گرفتار نیامد.

پس از توقف اجرای تفاهم نامه، روزی نبوده که مقامات آمریکا ادعا نکنند جریان صادرات نفت از تنگه هرمز عادی شده و قیمت در حال کاهش است. با این وجود، قیمت نفت دائما صعودی، و ذخائر نفتی آمریکا دائما در حال برداشت و کاهش بوده است! یعنی آن ادعاها دروغ است. این در حالی است که ایران، هنوز تنگه را کاملا نبسته است اما در صورت شیطنت آمریکا، به تصریح دبیر شورای عالی امنیت ملی، اجازه نخواهد داد حتی یک بشکه نفت از منطقه خلیج‌فارس و دریای عمان و دریای سرخ صادر شود. ذخایر نفت آمریکا، تنها برای ۴۱ روز دیگر باقی مانده که پایین‌ترین سطح در نیم قرن اخیر است. و با روند فعلی، خیلی زودتر از انتخابات کنگره، به نقطه غیرقابل برداشت می‌رسد و فاجعه اصلی برای ترامپ آغاز می‌شود.

۶) بسنت بهتر از ما، معنای این اظهارات ترامپ ظرف دو ماه گذشته و حجم درماندگی پنهان در آن را می‌داند:

«اگر توافق نمی‌کردیم ذخایر استراتژیک نفت ۴ هفته دیگر تمام می‌شد. می‌دانید، ذخایر در سراسر جهان وجود دارد، و ذخایر ما واقعاً تمام می‌شد. و زمانی خواهد رسید که شما قادر به تهیه آن نخواهید بود.

- اگر به جنگ ادامه می‌دادیم، تنگه هرگز باز نمی‌شد. بمباران فایده‌ای نداشت؛ تنگهٔ هرمز را باز نمی کرد.

- آدم‌های احمق می‌خواهند رکود جهانی باشد. اگر توافق نباشد، تنگه باز نخواهد شد. من هرگز نمی‌خواهم به هربرت هوور مرحوم و فقید تبدیل شوم [کسی که نامش با رکود بزرگ اقتصادی در آمَریکا گره خورد]

- می‌گویند چرا سختگیرانه‌تر عمل نمی‌کنی؟ تنها راهی که می‌توانستم سختگیرتر باشم، این بود که ۲ یا ۳ هفته دیگر به بمباران ادامه می‌دادم. اما نتیجه چه می‌شد؟ تنگه باز نمی‌ماند. کاملاً بسته شده بود. سراسر آن، پر از مین می‌شد و موشک‌ها بر فراز کشتی‌های میلیارد دلاری به پرواز درمی‌آمدند؛ بنابراین، کشتی‌ها هرگز حرکت نمی‌کردند و ماه‌ها، نفتی در کار نبود.

- چه کسی واقعاً از توافق با ایران خوشحال است؟ بازار... قیمت نفت سقوط کرده است. فکر می‌کنم اتفاقات خیلی خوبی قرار است رخ دهد و بازار سهام مثل موشک در حال افزایش است».

۷) ما دست آمریکا را خوانده‌ایم که چقدر خالی است. آمریکا هرگز مثل امروز ناتوان نبوده که اگر توانا بود مرتکب حماقت جنگ احمقانه و سرشکستگی راهبردی نمی‌شد.

نه فقط ما بلکه خیلی‌ها در غرب می‌دانند که دست آمریکا هرگز مانند امروز خالی نبوده است:

- برت اریکسون در پاسخ بسنت: اسکات! اگر کسی به موقعیت راهبردی خود اطمینان داشته باشد، کشورهای متحد و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را تهدید نمی‌کند. اگر اهرم فشاری کافی در اختیار داشتیم، نیازی به این تهدیدها نبود.

- مایک کارلتون روزنامه‌نگار استرالیایی: روان‌پریش نارنجی [بسنت] دوباره داره جنگ رو می‌بره... حتماً بار سی‌ام یا چهلمشه (!)

- مایک جانسون رئیس‌جمهوریخواه مجلس نمایندگان: دونالد ترامپ، پیامدهای اقتصادی جنگ برای شهروندان آمریکایی و تأثیر آن بر انتخابات کنگره را درک می‌کند و تمام وقت در تلاش برای حل این وضعیت است».

- نشریه آتلانتیک: آمریکا دهه‌هاست که نگران این است ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد. اکنون باید نگران چیزی حتی مهم‌تر باشد؛ ایرانی که ایالات متحده را شکست داده، دیگر از حمله آمریکا نمی‌ترسد و دسترسی به خلیج‌فارس را کنترل می‌کند. سلاح‌های هسته‌ای به تنهائی هرگز نمی‌توانستند چنین قدرتی به ایران بدهند.

۸) تقلّای امثال وزیر خزانه‌داری آمریکا معطوف به این است که اهرم راهبردی تنگه هرمز را در ارزیابی طرف ایرانی بی‌ارزش یا مایه دردسر نشان بدهند و وضعیت شکست نظامی را در میدان دیپلماسی برعکس کنند. این در حالی است که رابرت کیگان از چهره‌های برجسته نومحافظه‌کار، دیروز در نشریه آتلانتیک اذعان کرد:

«منطقه، سال‌ها، تحت سلطه آمریکایی بود اما امروز، ایران در شرایط کاملاً جدیدی قرار دارد. ایران مستقیما با ابرقدرت و اسرائیل روبه‌رو شده، مقاومت کرده و پیروز شده است. ایران، ساختار قدرت در خاورمیانه و خلیج‌فارس را به طور کامل تغییر داده است. قدرت مسلط، از این به بعد، ایران خواهد بود، نه آمریکا یا اسرائیل. جهان، سال‌ها با ایرانی روبه‌رو بوده که محدودیت‌های زیادی داشت اما اکنون متوجه خواهد شد که ایرانِ آزاد شده از محدودیت، چه شکلی است. ایران نیازی به توافقی با ایالاتِ متحده ندارد. این باور رایج که ایران مجبور خواهد شد با آمریکا سازش و تنگه هرمز را باز کند، نادرست از آب درآمده است. ایران با پشت‌سر گذاشتن جنگ، موازنه قدرت را در خاورمیانه تغییر داده است. واشنگتن به‌دلیل نگرانی از بحران اقتصادی و کمبود ذخایر موشکی، حملات نظامی را متوقف کرد. تهران اکنون با کنترل تنگه هرمز، نظم تازه‌ای را اعمال کرده و کشورهای منطقه ناچارند خود را با این واقعیت راهبردی جدید سازگار کنند».

۹) کیگان، دو ماه قبل از «کیش و مات» شدن آمریکا خبر داده و تاکید کرده بود: «به سختی می‌توان زمانی را به یاد آورد که آمریکا، دچار شکست کامل در یک درگیری شده باشد. اما شکست در تقابل فعلی با ایران ماهیتی متفاوت دارد؛ نه قابل جبران است و نه قابل نادیده گرفتن. هیچ بازگشتی به وضعیت قبل وجود نخواهد داشت. ایران با کنترل تنگه‌هرمز، به عنوان بازیگر کلیدی منطقه و جهان ظهور می‌کند. این اهرم فشار، بزرگ‌تر از هسته‌ای است. آمریکا در منطقه خود را به عنوان ببر کاغذی نشان داد».

محمد ایمانی

مرشایمر:

کشورهای منطقه با فشار آمریکا علیه ایران همراه نمی‌شوند

استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو با رد احتمال موفقیت طرح فشار حداکثری ترامپ علیه ایران، گفت: واشنگتن نه‌تنها قادر به منزوی کردن کامل اقتصاد ایران نیست، بلکه با سیاست‌های خود بسیاری از کشورها را از آمریکا دور کرده است.

جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو در گفت‌وگویی درباره تصمیم دولت آمریکا برای تشدید فشار اقتصادی علیه ایران گفت طرح موسوم به «روز پیروزی اقتصادی» به نتیجه نخواهد رسید، زیرا از نگاه ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی تهدیدی وجودی محسوب می‌شوند و کشوری که خود را با چنین تهدیدی مواجه می‌بیند، به آسانی تسلیم فشار اقتصادی نخواهد شد.

او با اشاره به اعمال ۲ مرحله محاصره علیه ایران گفت این سیاست تاکنون کارساز نبوده و چون واشنگتن گزینه نظامی دیگری ندارد، ترامپ تصمیم گرفته فشار اقتصادی را افزایش دهد. به گفته مرشایمر، هدف اکنون فراتر رفتن از محاصره و تقریباً منزوی کردن کامل اقتصاد ایران از طریق قطع روابط اقتصادی آن با کشورهایی مانند چین، روسیه، پاکستان و امارات است.

این استاد آمریکایی با تأکید بر اینکه چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است، گفت پکن اعلام کرده با این سیاست همراه نخواهد شد و روسیه نیز چنین کاری نخواهد کرد. او افزود: «ما نه‌تنها برای ایران، بلکه برای چین و روسیه نیز یک تهدید مرگبار هستیم. چین و روسیه منفعتی اساسی در پیروزی ایران در این جنگ دارند.»

مرشایمر درباره امارات گفت قطع کامل روابط اقتصادی این کشور با ایران می‌تواند به تهران آسیب بزند، اما ایران نیز ابزارهایی برای پاسخ دارد. او با بازگو کردن تهدید منتسب به ایران علیه امارات گفت پیام تهران این است که اگر ابوظبی برای به زانو درآوردن ایران با آمریکا همراه شود، ایران نیز توان وارد کردن خسارت سنگین به بنادر و پالایشگاه‌های امارات را دارد. از نظر مرشایمر، به همین دلیل بعید است امارات به‌طور کامل روابط اقتصادی خود با ایران را قطع کند.

او همچنین درباره ترکیه گفت از نگاه آنکارا، تضعیف و فروپاشی ایران به نفع این کشور نیست. مرشایمر سپس با ادبیاتی بسیار تند آمریکا و رژیم صهیونیستی را ۲ دولت نسل‌کش خواند و گفت: «ما در آمریکا دوست داریم فکر کنیم که آدم‌های خوب ما هستیم و ایرانی‌ها آدم‌های بد هستند. واقعیت این است که من معتقدم بیشتر مردم کره زمین برعکس فکر می‌کنند. آنها آمریکا و اسرائیل را آدم‌های بد می‌دانند و فکر می‌کنم بیشتر مردم طرفدار ایرانی‌ها هستند.»

اهرم فشار بر چین و روسیه خنده‌دار است

مرشایمر در ادامه احتمال اعمال فشار مؤثر آمریکا بر چین را زیر سؤال برد و با اشاره به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار تجارت سالانه آمریکا و چین گفت: «قرار است چینی‌ها را به دلیل ادامه روابط اقتصادی با ایران مجازات کنیم؟ فکر نمی‌کنم چنین کاری کنیم.»

او یادآور شد که ترامپ پس از روی کار آمدن در ژانویه ۲۰۲۵ تعرفه‌هایی علیه چین وضع کرد، اما پکن به سرعت میزان اهرم خود بر اقتصاد آمریکا را به او یادآوری کرد و ترامپ عقب نشست.

مرشایمر گفت: «این تصور که ما بر چین یا حتی روسیه اهرم اجبار داریم، استدلالی خنده‌دار است.» به اعتقاد او، مشکل واشنگتن این است که کشورهای زیادی را در جهان از خود دور کرده و برای کشورهای بسیاری به یک تهدید تبدیل شده است؛ در نتیجه جلب همکاری آنها برای اعمال فشار بر ایران دشوار شده است.

او این وضعیت را با مذاکرات توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ مقایسه کرد و گفت در آن زمان آمریکا توانست حمایت گسترده اروپا، روسیه و چین را به دست آورد، اما اکنون ساختار انگیزه‌ها کاملاً تغییر کرده و روسیه، چین، کره شمالی و ایران در قالب یک ائتلاف موازنه‌گر در برابر آمریکا قرار گرفته‌اند.

تضعیف توان آمریکا در شرق آسیا

مرشایمر همچنین اظهار داشت: انتقال تجهیزات و تسلیحات آمریکایی از شرق آسیا، قابلیت‌های واشنگتن در این منطقه را تضعیف کرده است. به گفته او، آمریکا سامانه‌های تاد و پاتریوت را از ژاپن و کره جنوبی خارج کرده و تحویل موشک‌های تاماهاوک به ژاپن نیز به تعویق افتاده است.

او گفت چین اکنون در صورت تصمیم به اقدام نظامی علیه آمریکا و متحدان شرق آسیایی آن، در موقعیت بهتری نسبت به یک سال قبل قرار دارد، هرچند شواهدی نمی‌بیند که پکن این تغییر موازنه را برای حمله به تایوان یا تشدید اقدامات در دریای چین جنوبی کافی بداند.

آمریکا به واکنش طرف مقابل فکر نمی‌کند

مرشایمر پرسش اصلی را واکنش ایران در صورت مؤثر واقع شدن چنین فشاری دانست و گفت نباید انتظار داشت ایران در صورت رانده شدن به «لبه پرتگاه» دست‌هایش را بالا ببرد و تسلیم شود.

او افزود: ایران نشان داده توان نظامی قابل‌توجهی در حوزه موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز و پهپادها دارد و می‌تواند خسارات گسترده‌ای در غرب آسیا ایجاد کند؛ از جمله علیه کشورهایی که اقتصاد جهانی وابستگی زیادی به آنها دارد.

مرشایمر با انتقاد شدید از طراحی راهبرد در واشنگتن گفت: «ما هیچ‌وقت به این فکر نمی‌کنیم که طرف مقابل بعد از اینکه ضربه‌ای به سرش زدیم، چه خواهد کرد.» او گفت ترامپ در آغاز جنگ تصور می‌کرد آمریکا می‌تواند با یک عملیات «شوک و بهت» به ایران ضربه بزند، رأس حکومت را از میان بردارد و جنگ را تمام کند، اما شرایط تقریباً هرگز این‌گونه پیش نمی‌رود.

ترامپ خود را گرفتار جنگی کرده که خواهد باخت

این استاد دانشگاه شیکاگو در بخش دیگری از مصاحبه، رفتار ترامپ در قبال عمان را نشانه استیصال او دانست و گفت: «ترامپ به هر طرف دست‌وپا می‌زند. او مستأصل است و باید هم مستأصل باشد، زیرا خودش را وارد جنگی کرده که به نظر من شکست در آن برایش تضمین‌شده است و در نهایت به‌عنوان بزرگ‌ترین فاجعه سیاست خارجی در تاریخ آمریکا شناخته خواهد شد.»

مرشایمر گفت براساس برداشت او از تفاهم‌نامه ۱۷ ژوئن، در دوره ۶۰ روزه ایران مسئول آنچه در خلیج‌فارس و تنگه هرمز رخ می‌دهد بوده و پس از آن نیز موضوع میان ایران و عمان مذاکره می‌شود، بدون آنکه نامی از آمریکا در میان باشد.

او گفت ایران و عمان درباره کنترل تنگه هرمز مذاکره کرده‌اند و آمریکا از این روند کنار گذاشته شده است. به گفته مرشایمر، نگرانی واشنگتن این است که عمان و ایران به توافقی برسند که مانع اقدامات آمریکا برای کمک به عبور نفتکش‌ها و کشتی‌های باری از تنگه شود. او افزود کشورهای خلیج‌فارس اکنون خواهان پایان جنگ هستند و تا حد زیادی آمادگی تعامل با ایران را دارند.

آمریکا
گزینه نظامی را کنار گذاشته است

مرشایمر در ادامه گفت در ابتدای جنگ، آمریکا طرفی بود که توان تهاجمی داشت و حاضر به استفاده از آن بود، در حالی که ایران رویکردی عمدتاً دفاعی داشت. اما به گفته او، شرایط اکنون به‌شدت تغییر کرده است.

او با اشاره به جنگ متجاوزانه هوائی ۴۰ روزه در آغاز درگیری و سپس دور حملات متقابل در ماه ژوئیه گفت این آمریکا بود که آغازگر بود، اما اکنون دولت ترامپ صریحاً اعلام کرده علاقه‌ای به بازگشت به جنگ ندارد. به گزارش ایسنا، مرشایمر در نهایت احتمال حمله مجدد آمریکا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای را نیز زیر سؤال برد و دلیل نخست را کمبود مهمات دانست. مرشایمر گفت جایگزین کردن این مهمات «سال‌ها» زمان خواهد برد و مهم‌تر از آن، آمریکا در شرایط کنونی «هیچ گزینه نظامی مؤثری» در اختیار ندارد.

امیر حاتمی: دشمن فقط زبان زور می‌فهمد تا ۲۰ نسل برای نقشه کشور می‌جنگیم

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران در آیین افتتاح همزمان بیش از هزار واحد منزل سازمانی در قرارگاه‌های منطقه‌ای شمال غرب و غرب گفت: ایران میدان آزمون توطئه‌ها و ماجراجویی‌های دشمنان نیست.

بیش از یک هزار واحد منزل سازمانی در قرارگاه‌های منطقه‌ای شمال غرب و غرب، بهره‌برداری از مهمانسرای «مهر ولایت ۳»، مدرسه قرآنی، کارگاه مهارت آموزی کارکنان وظیفه و چند طرح عمرانی قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نیروی زمینی ارتش، توسط امیر سرلشکر «امیر حاتمی»، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران و با حضور جمعی دیگر از فرماندهان و همچنین خانواده معظم شهدا و ایثارگران، به‌صورت حضوری در مشهد و از طریق ارتباط وبیناری در سایر یگان‌ها افتتاح شد.

امیر سرلشکر حاتمی در این مراسم، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان به‌ویژه قائد شهید انقلاب و امیر سپهبد موسوی، به ماموریت‌های ابلاغی از سوی رهبر شهید انقلاب اسلامی در زمان انتصاب خود به عنوان فرمانده کل ارتش اشاره و اظهار کرد: هم‌افزایی میان نیروهای مسلح، ارتقاء توان رزم ارتش جمهوری اسلامی ایران، تعالی بصیرت و معنویت و ارتقاء معیشت کارکنان، چهار محور اساسی حکم فرمانده شهید کل قوا به اینجانب بود و امروز بیش از هر زمان دیگری روشن شده که این ۴ راهبرد، ارکان اصلی آمادگی برای مقابله با تهدیدات آینده به شمار می‌رود.

وی با قدردانی از اقدامات نیروی زمینی ارتش در اجرای پروژه‌های رفاهی و مسکن سازمانی، بیان کرد: اجرای طرح‌هایی همچون «مهر ولایت» دقیقاً در راستای تحقق مأموریت‌های ابلاغی از سوی رهبر شهید انقلاب اسلامی است چراکه آمادگی رزمی تنها به تجهیزات وابسته نیست، بلکه مهم‌ترین سرمایه هر ارتش، نیروی انسانی آن است و هر اقدامی که موجب افزایش آرامش، انگیزه و امنیت خاطر کارکنان و خانواده آنان شود، در حقیقت سرمایه‌گذاری در جهت ارتقاء قدرت دفاعی کشور به شمار می‌رود.

جنگ امروز؛ جنگ اراده‌ها و تاب‌آوری ملت‌ها

امیر سرلشکر حاتمی، همچنین در جمع فرماندهان قرارگاه‌های منطقه‌ای شمال شرق نیروی زمینی ارتش، با بیان اینکه جنگ، صرفا به‌کارگیری تجهیزات و تسلیحات نیست، گفت: جنگ امروز، جنگ اراده‌ها، اندیشه‌ها و تاب‌آوری ملت‌هاست. دشمن پس از ناکامی در تحقق اهداف خود، از توطئه و طراحی تهدیدات جدید دست نکشیده است؛ از این رو همواره اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت دشمن را رصد کرده و آماده مقابله با هرگونه سناریوی دشمن هستیم.

فرمانده کل ارتش در ادامه تأکید کرد: دشمن باید بداند که ایران اسلامی میدان آزمون توطئه‌ها و ماجراجویی‌های آنان نخواهد بود؛ نیروهای مسلح با اتکا به ایمان، تجربه، آمادگی و پشتیبانی ملت بزرگ ایران، هرگونه تجاوز را با قاطعیت پاسخ داده و با اقتدار از استقلال، تمامیت ارضی و امنیت کشور دفاع خواهند کرد.

وی افزود: ما باید دشمن را ناکام بگذاریم و آن‌قدر تلخی ناکامی را در کام دشمن بریزیم که بداند ایران جای این نیست که از آن سوی دنیا بیاید و بگوید نقشه کشور را عوض می‌کنم، ما ۱۰ نسل ۲۰ نسل می‌جنگیم و حتماً اجازه نمی‌دهیم این اتفاق بیفتد؛ تنها راه این است که با زبان زور به دشمن بفهمانیم که نمی‌تواند کاری را که می‌خواهد انجام دهد.

به گزارش مهر، امیر سرلشکر حاتمی همچنین در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران ارتش در مشهد مقدس، با تجلیل از مقام شامخ شهیدان و ایثارگران، خانواده‌های آنان را «چشم و چراغ ارتش» و سرمایه‌های معنوی کشور خواند و ضمن تجلیل از صبر، استقامت و ایثار آنان، خاطرنشان کرد: خانواده‌های شهدا و ایثارگران، گنجینه‌های ارزشمند معنوی نظام اسلامی هستند که عزت، امنیت و استقلال امروز ایران اسلامی، مرهون فداکاری و ازخودگذشتگی آنان است و در صدر توجه و رسیدگی به نیروی انسانی ارتش قرار دارند.

خبر ویژه

از سراب ۳۰۰ میلیارد دلاری تا دلار ۲۰۰ هزار تومانی!

این روزها جریان تسلیم‌طلب خط عملیات روانی جدیدی را کلید زده‌است؛ پروپاگاندایی ناشیانه برای گره زدن دلار ۲۰۰ هزار تومانی به پیامدهای جنگ و بستن تنگه هرمز. سناریویی تکراری برای تطهیر خود و آدرس غلط دادن به مردم.

اما سؤال اصلی اینجاست: آیا جهش ارزی، واقعاً محصول بستن تنگه هرمز است یا ریشه در سیاست‌های غلطِ پاستور و میرداماد دارد؟

اگر امروز قرار باشد کسی در مقام طلبکار بنشیند، جریان انقلاب و مردم مبعوث ایرانند، نه دست‌اندرکاران «پروژه بن‌بست‌نمایی». آقایان یادشان رفته است که با چه شوق و ذوقی از تفاهم می‌گفتند؟ همان‌هایی که تصور می‌کردند با امضای تفاهم، آمریکا تحریم‌ها را لغو می‌کند، پول‌های بلوکه‌شده آزاد می‌شود و سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری به کشور سرازیر خواهد شد! نتیجه چه شد؟ ترامپ رسمی مرده بودن تفاهم‌نامه را اعلام کرد و زیرساخت‌های کشور هدف قرار گرفت؛ اما برخی مسئولان و رسانه‌های همسو همچنان ول‌کن داستان نیستند و بر طبل سیاه‌نمایی می‌کوبند.

نگاهی به ارقام واقعی، پرده از این فریب بزرگ برمی‌دارد. نرخ دلار پیش از آغاز درگیری‌ها، رشد ۱۸۴ درصدی را نسبت به روز نخست آغاز به کار دولت ثبت کرده بود. اگر همان شیب صعودی و نمودار خطی را بدون هیچ متغیر خارجی ادامه می‌دادیم، دقیقاً به همین ایستگاه دلار ۲۰۰ هزار تومانی امروز می‌رسیدیم! بازار ارز بیش از آنکه تابع شیپور جنگ باشد، معلول مستقیم سیاست‌های غلط ارزی و شانه خالی کردن از انضباط مالی است.

بنابراین، ادعای اینکه «جنگ عامل تورم ۳ رقمی شد»، یک دروغ بزرگ و فرار به جلو است. سونامی تورم را حذف بی‌ضابطه ارز ترجیحی کلید زد، نه جنگ. تورم ۱۵۰ درصدی مواد غذایی در بهمن‌ماه سال گذشته رخ داد؛ آیا در بهمن‌ماه جنگی در کار بود؟ آقایان آن روزها ادعا می‌کردند حذف ارز ۲۸,۵۰۰ تومانی فقط اثر تورمی «محدود و چند درصدی» دارد!

اما حذف همان ارز از دی‌ماه، سفره مردم را کوچک کرد و زنجیره‌ای از گرانی کالاهای اساسی را رقم زد.

دولت نباید و نمی‌تواند با بهانه‌جویی و سنگر گرفتن پشت جنگ و تنگه هرمز، اشتباهات فاحش سیاستی خود را پنهان کند. اتفاقا بستن تنگه هرمز بهترین راهبرد برای فشردن گلوگاه انرژی جهان و هزینه‌زایی برای آمریکای تروریست و متحدانش در منطقه بود و هست.

ذوق‌زدگی «اسرائیل هیوم» از پاس‌گل رسانه مدعی اصلاحات

گرا دادن به اتاق جنگ اقتصادی واشنگتن و تل‌آویو، به رویه‌ای عادی در روزنامه‌های زنجیره‌ای جریان مدعی اصلاحات تبدیل شده است.

در حالی که طی روزهای گذشته بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران رسماً دریافت عواید حاصل از فروش و صادرات نفت را تأیید کرده و عملیات فروش نفت کشور ادامه دارد، روزنامه مدعی اصلاح‌طلب «سازندگی» با تیتر عجیب و کنایه‌آمیز «صادرات نفت؛ صفر»، پاس گل دیگری به اتاق عملیات روانی دشمن فرستاد. این اقدام بازتاب سریع و معناداری در رسانه‌های رژیم صهیونیستی داشت.

روزنامه عبری‌زبان «اسرائیل هیوم» بلافاصله با خوشحالی از این تیتر و مانور روی آن در گزارشی نوشت: «روزنامه اصلاح‌طلب در ایران تیتر صادرات نفت صفر را اعلام کرد... این روزنامه توانست حال و هوای هواداران سازش را که از هزینه‌های اقتصادی ادامه جنگ می‌ترسند، القا کند.»

ذوق‌زدگی رسانه‌های صهیونیستی از این پالس‌های داخلی در حالی است که واشنگتن و رژیم صهیونیستی خود با سخت‌ترین بحران‌های داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. طبق جدیدترین نظرسنجی‌ها، میزان محبوبیت رئیس‌جمهور آمریکا به پایین‌ترین حد خود (تنها ۳۳ درصد رضایت در برابر ۶۴ درصد نارضایتی) رسیده و تنها یک نفر از هر پنج آمریکایی، جنگ‌طلبی‌های این کشور را دارای ارزش اقتصادی می‌داند.

ابعاد این کددهی‌های خطرناک حتی صدای سیاستمداران آمریکایی را هم درآورده است؛ چندی پیش سناتور جف مارکلی در جلسه کنگره خطاب به دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، نسبت به تبعات جنگ هشدار داد و صریحا ابراز نگرانی کرد که تشدید تنش‌ها و نقض عهد آمریکا، جریان سازشکار و اصلاح‌طلب در داخل ایران را تضعیف کرده و اعتبار آنان را نابود می‌کند!

القای اختلاف عمیق در ساختار تصمیم‌گیری ایران و مخابره پیام «ضعف و ذلت» از قلب تهران، دقیقاً همان حلقه مفقوده‌ای است که دشمن برای تکمیل پازل فشار حداکثری به آن نیاز دارد. ایجاد این محاسبات غلط در ذهن دشمن، نه یک اظهارنظر ساده مطبوعاتی، بلکه اقدامی مستقیم علیه امنیت ملی کشور است.

حامی دولت: برای وعده وزیر «تَره خرد نکنید»!

در حالی که روزهای داغ تابستان با قطعی گسترده برق، طاقت مردم را طاق کرده است؛ معاون مطبوعاتی دولت دوازدهم به یاد وعده‌های وزیر نیرو افتاد و پیشنهاد داد که برای وعده‌های وزیر تَره خرد نکنیم!

محمد خدادی در نشست «بن‌بست اطلاع‌رسانی» با انتقاد از وعده‌های عملی نشده دولت چهاردهم گفت: «چرا دولت‌ها اصرار دارند خبرهای نشدنی را اعلام کنند؟!».

معاون مطبوعاتی دولت روحانی ادامه داد: «در همین دولت [دولت پزشکیان] می‌آیند و می‌گویند سال آینده برق قطع نمی‌شود، اما می‌بینیم که می‌شود. خب چرا این را می‌گویید؟!».

بهمن ۱۴۰۳، عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو دولت چهاردهم در بازدید از طرح‌های آبرسانی در شوشتر تاکید کرد: «انتظار دارم، تابستان سال آینده[۱۴۰۴] مردم دیگر شاهد بی‌برقی نباشند»؛ اما انتظار وزیر نیرو، واژگونه شد و بی‌برقی از بهار گریبان مردم را گرفت و بخش گریزناپذیر زندگی آن‌ها شد.

علی‌آبادی که در شوشتر ادعا کرد «برنامه گسترده‌ای را برای رفع مشکل ناترازی انرژی در دست داریم که تا پایان سال ۱۴۰۳ به وضعیتی برسیم که در تابستان سال ۱۴۰۴ مطلقاً مشکلی وجود نداشته باشد»، برخلاف وعده‌هایی که داد به پیشواز رفت و جدول قطعی برق را در بهار ۱۴۰۴ منتشر کرد.

یک سال پس از خلف وعده - در اردیبهشت ۱۴۰۵- وزیر نیرو دولت چهاردهم برای بار دوم وعده عملی نشده سال ۱۴۰۳ را تکرار کرد؛ علی‌آبادی با حضور در نشست کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: «مقرر شد در تابستان امسال قطعی برق خانگی نداشته باشیم، همچنین قطعی برق چاه‌های کشاورزی و صنایع کشور حداکثر معادل پنجاه درصد سال گذشته خواهد بود»؛ اما اکنون، گرمای تابستان در حالی بی‌رمق‌تر شده و به روزهای پایانی نزدیک می‌شود که ۲ سال پیاپی برخلاف وعده‌های وزیر، قطعی برق مهمان ناخوانده ایرانیان بود.

گفت و شنود

بی‌اجازه شوهر!

گفت: به گزارش فایننشال تایمز، «بِسنت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده است که «بزرگ‌ترین حمله اقتصادی علیه ایران را آغاز خواهیم کرد»!

گفتم: دیگه چی؟!

گفت: در ادامه تهدیدش گفته است؛ «کشورهایی که سرنوشت خود را به تهران گره بزنند در انزوای ایران شریک خواهند بود»!

گفتم: حیوونکی کلک مرغابی زده و می‌خواهد تهدید ما را خنثی کند که گفته‌ایم اگر کشوری با آمریکا همکاری کند، به کشتی‌های آن کشور و یا کشتی‌های حامل کالا برای آن کشور اجازه عبور از تنگه هرمز را نمی‌دهیم.

گفت: این مردک پلید یک همجنسگرای کثافت است و نشریات آمریکا بارها عکس او را در کنار مرد دیگری که شوهر(!) اوست منتشر کرده‌اند.

گفتم: باید بهش گفت، مردک همجنسگرا، اصلاً بگو ببینیم برای تهدید ایران و این غلط زیادی که کرده‌ای، از شوهرت هم اجازه گرفته‌ای یا نه؟!

نکته

قالیبافی که ما می‌شناسیم

۱- برادر عزیزم آقای دکتر قالیباف از ارادت دیرینه نگارنده به جناب ایشان باخبر است و به یقین می‌دانند که آنچه در نوشته پیش‌روی آمده است آمیزه‌ای از دو آموزه است، تجربه‌ای از گذشته نه‌چندان دور و دلشوره‌ای از تکرار آن. اشاره به این نکته نیز ضروری است که گاهی اوقات، واقعیتی از نگاه افراد هوشمند پنهان می‌ماند و تذکر آن به معنای هوشمندی بیشتر تذکردهنده نیست بلکه در مواردی فلان تذکر برخاسته از جایگاه خبری تذکردهنده است. چند سال قبل وقتی پای خبررسانی به یکی از بزرگواران در میان بود، نوشته خویش را با این مقدمه آغاز کردم «در کلام خدا آمده است که وقتی حضرت سلیمان(ع) در میان پرندگانی که با او بودند، هدهد را ندید، برآشفت و گفت: «مَا لِیَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ- هدهد کجا است که نمی‌بینمش؟ آیا از غیبت‌کنندگان است»؟ اما انتظارش به درازا نکشید که هدهد از راه رسید و گفت: «أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ- از چیزی آگاهی یافتم که تو از آن آگاه نشده‌ای و برای تو از سبا گزارشی مهم و درست آورده‌ام». هدهد فقط یک پرنده بود. اما، برای سلیمان از «سبا» خبری آورده بود که سلیمان را با آن همه شوکت به آن دسترسی نبود».

۲- قالیبافی که ما می‌شناسیم، فرمانده فداکار لشکر در دوران دفاع مقدس، خلبان بی‌باک نظامی و تجاری، فرمانده مقتدر نیروی انتظامی، شهردار موفق تهران بزرگ، رئیس مجلس شورای اسلامی و اکنون مسئول تیم مذاکره‌کننده در جنگ اخیر. هر یک از ویژگی‌ها و مقامات یادشده به تنهایی می‌تواند طمع دشمنان بیرونی و دنباله‌های داخلی آنها را برای مقابله خصمانه با ایشان به دنبال داشته باشد. اما چگونه؟! قالیباف بارها نشان داده است، بیدی نیست که با وزش بادهای مخالف از سوی دشمنان بلرزد! مسئول برجسته‌ای است که با شجاعت از عقبه‌های سخت عبور کرده است و...

۳- برخی از شواهد موجود حکایت از آن دارند که یک جریان غربگرا و شماری از مدعیان اصلاحات تغییر «پایگاه اجتماعی» آقای قالیباف را نشانه رفته‌اند و انتقال پایگاه اجتماعی ایشان از میان توده‌های عظیم و فداکار مردم به عرصه فعالیت سیاسی مدعیان اصلاحات و غربگرایان را دنبال می‌کنند(!) شاید این برداشت واقعیت بیرونی نداشته و فقط در حد و اندازه یک احتمال باشد! ولی همسویی [ظاهری و نه واقعی] برخی از مواضع اخیر جناب قالیباف با جماعت غربگرا(!) به این برداشت و یا دست‌کم به این احتمال دامن می‌زند. جریانات غربگرا با تحریف و یا تقطیع برخی از مواضع آقای قالیباف و سپس با تعریف و تمجید از موضع یادشده، اصرار دارند که از یک‌سو، پایگاه اجتماعی ایشان را تغییر یافته قلمداد کنند و از سوی دیگر، ارادت همیشگی نیروهای انقلابی و حزب‌الله به جناب ایشان را مخدوش جلوه دهند. به یقین برادر عزیزمان آقای قالیباف از سرنوشت سیاسی کسانی که قربانی همین ترفند شده‌اند، بی‌خبر نیستند. این ترفند اگرچه با شخصیتی که از آقای قالیباف می‌شناسیم، آب در هاون کوبیدن است ولی انتظار آن است که جناب ایشان برای پرهیز از برداشت‌های ناصواب، بر مواضع انقلابی خود تاکید و تصریح بیشتری داشته باشند تا راه سوءاستفاده و برداشت‌های غرض‌ورزانه بسته بماند.

و بالاخره، گفتنی است که این وجیزه می‌توانست محرمانه بماند و ارسال خصوصی داشته باشد ولی به دو علت انتشار آن ضروری به نظر می‌رسید. اول، آن که این ترفند در موارد دیگری نیز به کار گرفته می‌شود و رسانه‌ای شدن آن می‌تواند تلنگری هشداردهنده باشد و دوم، ضرورت تاکید بر شخصیت برجسته و انقلابی آقای قالیباف که شاید برای نسل جوان امروزمان ناگفته مانده باشد.

حسین شریعتمداری

غریب‌آبادی خطاب به وزیر خزانه‌داری آمریکا:

این پیروزی است یا اعتراف به شکست آمریکا؟

معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه در واکنش به ادعاهای وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره ایران، تناقض میان ادعای پیروزی واشنگتن و تشدید فشارهای اقتصادی علیه تهران را مورد انتقاد قرار داد.

کاظم غریب آبادی، معاون حقوقی و امور بین‌الملل وزارت خارجه، روز دوشنبه (۲شهریورماه) در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: آقای بسنت! حساب روایت‌تان جور درنمی‌آید: می‌گویید توان نظامی ایران «برچیده»، ۱۰۰درصد کارخانه‌های نظامی «نابود» و برنامه هسته‌ای «دفن» شده؛ اما برای همین ایران، «بزرگ‌ترین تهاجم مالی تاریخ» و بسیج «تمام نهادها و اختیارات» آمریکا لازم شده! این پیروزی است یا اعتراف به شکست آمریکا؟!

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* پس از جنگ رمضان با اراده خداوند، مردم ایران در حماسه‌ای بی‌نظیر در طول تاریخ سیاسی اسلام از صدر اسلام تاکنون به صورت خودجوش برای خنثی‌سازی طرح‌های آمریکایی صهیونی و در خونخواهی از امام شهید و دیگر شهدای جنگ ۱۲ روزه و رمضان به خیابان‌ها و میادین آمدند و مؤلفه قدرت نرم ایران را شکل دادند. مراقبت کنیم خیابان و میدان، این مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم را قربانی هوس‌های سیاسی خود نکنیم.

علاقه‌بند

* دوست و دشمن اعتراف می‌کنند که اقتدار نظامی، موشکی و پهپادی موجب شکست آمریکا و رژیم صهیونی شد. همچنین مسلم است که تنها پشتیبان قاطع نیروهای مسلح امام شهید بود آن هم در شرایطی که غرب‌گرایان داخلی مخالف اقتدار نظام بودند. اکنون همه‌جا صحبت از پیروزی و اقتدار موشکی و پهپادی است که نقش امام شهید در تولید و توسعه آن بی‌بدیل است و باید به آن پرداخته شود.

آزادمنش

* با توجه به پیروزی و اقتدار موشکی و پهپادی کشور که مرهون اعتماد امام شهید به جوانان کشور بود، غرب هراسان به جای سکوت و شرمندگی و عذرخواهی و اعتراف به اشتباه، نسخه تسلیم می‌نویسند زهی پررویی و وقاحت! چرا کسانی که صاحب تریبون هستند به این امر توجه نمی‌کنند؟

آزاد

* در این جنگ، قضیه فراتر از افزایش قیمت سوخت در آمریکا است. اختلال در تنگه هرمز، عرضه جهانی کودهای شیمیایی را نیز محدود کرده است. در هفته‌های اول جنگ، قیمت اوره در بازارهای جهانی تقریباً دو برابر شد و کشاورزان آمریکایی را با افزایش همزمان قیمت سوخت و کمبود کود مواجه کرده است. به همین دلیل عمیق‌ترین زخم این جنگ بر پیکر اقتصاد آمریکا، جایی در وال‌استریت یا پنتاگون نیست. بلکه در مزارع آمریکاست.

نظرپور

* پیمان دفاعی سه‌جانبه میان ترکیه، پاکستان و عربستان یا همان پیمان مکه بیشتر نشان‌دهنده ناتوانی آمریکا در دفاع از عربستان است و نوعی جایگزینی برای خلأ امنیتی پس از عقب‌نشینی آمریکایی‌ها به شمار می‌رود.

دلاوریان

* عربستان که سال‌ها یمن را محاصره زمینی و دریایی کرده بود، اکنون با محاصره‌ای مشابه از سوی نیروهای مسلح یمن مواجه شده و بن‌سلمان در چاهی که برای یمن کنده، افتاده به این صورت که حملات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح یمن به تأسیسات نفتی و کشتیرانی عربستان، این کشور را درگیر یک کابوس نظامی و اقتصادی کرده و صادرات نفت عربستان از طریق باب‌المندب را حداقل به نصف کاهش داده است.

خشیاده

* ایران با بازتنظیم دکترین سایبری خود در هماهنگی با راهبرد جنگ نامتقارن، از توانمندی‌های سایبری خوبی برای نفوذ و کسب اطلاعات ، ایجاد دسترسی‌های فنی، عملیات اخلالگر، جنگ اطلاعاتی و عملیات مرتبط با درگیری بهره‌مند شده است. به طوریکه دستگاه سایبری ایران در حال تبدیل شدن به تنگه دوم برای فرسایش قوای آمریکا و متحدانش است.

رضوی‌نسب

* در این جنگ، ذخایر موشک‌ها و سامانه‌های دفاع موشکی آمریکایی‌ها به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است. گفته می‌شود این کاهش ذخایر، با توجه به ضرورت حفظ توان کافی برای مقابله با تهدیدها و چالش‌هایی فراتر از منطقه غرب آسیا، به نگرانی مهمی برای ارتش آمریکا تبدیل شده است.

امراللهی

* در اخبار آمده بود یک شرکت هواپیمایی آمریکایی یک مسافر اسرائیلی را به دلیل اظهارات نامناسب درباره غزه از پرواز خود اخراج کرده است. با جنایتی که صهیونیست‌ها در جای جای عالم مرتکب شده‌اند، باید هم مورد تنفر همگان قرار گرفته و زندگی راحتی نداشته باشند.

محقق

* در پی ضربات مؤثر انصارالله به مواضع ارتش و مزدوران سعودی در یمن، ریاض در پیامی محرمانه به هیئت مذاکره‌کننده یمنی ابراز داشته که خواستار پایان درگیری و بازگشت به توافق سال ۲۰۲۲ ریاض- صنعا بوده و این درخواست را به هیئت یمنی منتقل کرده است. معلوم شد ضربه یمن به عربستان کاری بوده است. افغانی‌ها یک ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند ما زیر بار زور نمی‌رویم مگه اینکه زور خیلی پرزور باشد.

شیبانی

* در عین حالی که مطالبه‌گری از سوی مردم صورت می‌گیرد، اما باید مواظب بود اولا نهادها، ارکان و عوامل اقتدار نظام، بی‌اعتبار و تخریب نشوند. ثانیا به وحدتی که همواره توصیه اصلی امام جامعه بوده کسی خدشه‌ای وارد نکند.

خطاپوش

* وابستگی وزیر خارجه لبنان به رژیم صهیونیستی به حدی است که وزارت خارجه لبنان بستن تنگه هرمز توسط ایران یا اصابت نفتکش اماراتی را محکوم کرده اما از ادعای مالکیت اسرائیل بر جنوب لبنان ناراحت نمی‌شود و محکومیتی صادر نکرده است.

فراهانی

* توافق ایران و عمان برای تعیین نظام جدید عبور و مرور بین‌المللی از تنگه هرمز، یک پیروزی دیپلماتیک و راهبردی ذیل قدرت نظامی و تحقق اقتدار ایران اسلامی است.

خضری

* از آقای حداد عادل به خاطر صحبت‌های خوبی که در مورد جایگاه مجلس و شأن نمایندگی داشتند تشکر می‌کنم. آن دسته نمایندگانی که هیچ هنری نداشته و با اشغال چنین جایگاه مهم فقط دنبال استفاده از امتیازهای نمایندگی مجلس بوده‌اند بدانند پا روی خون شهدا گذاشته و باید پاسخگو باشند.

علیمردانی

* آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها فهمیده‌اند در حوزه جنگ سخت نظامی از پس ایران بر نمی‌آیند. از این رو وارد جنگ شناختی و جنگ اقتصادی شده‌اند. در این جنگ هم به نتیجه نخواهند رسید و دست از پا درازتر عقب‌نشینی خواهند کرد.

پاریزی

* قابل توجه دولتمردان! هر تصمیم اقتصادی، اجتماعی و حتی اداری باید با درک دقیق مختصات امنیتی کشور اتخاذ شود. این به معنای امنیتی‌کردن همه مسائل نیست؛ بلکه به معنای فهم واقع‌بینانه پیوند میان حوزه‌های مختلف حکمرانی است.

واحدی

* وقتی که سخنگوی وزارت امورخارجه با صراحت می‌گوید: آمریکا با نقض آشکار و فاحش تفاهم‌نامه اسلام‌آباد سومین بار به دیپلماسی خیانت کرد! و این سومین بار در طول یک سال گذشته است که چنین اتفاقی رخ می‌دهد. دو بار پیش نیز، در حالی که در حال مذاکره بودیم، هدف حمله آمریکا و اسرائیل قرار گرفتیم! با این توصیف، سخن گفتن از تفاهم‌نامه و تداوم مذاکره با شیطان، به دنبال به دست آوردن آب، در پی سراب رفتن است!

علیاری

* آقای مرعشی از حزب کارگزاران که گفته رهبر جدید انقلاب باید بپذیرد نسل عوض شده و ایشان، متناسب با مقتضیات امروز باید ایران را اداره بکند، حرف حقی گفته چرا که نسل امروز تحمل غارت مملکت توسط بانکداران خصوصی، مدیران خصولتی، رانت‌خواران اصلاح‌طلب و ... را ندارد. در ضمن نسل امروز از مذاکرات خفت‌بار و تسلیم در برابر دشمن متنفر است و برای رفع تحریم‌ها، توسل به قدرت نظامی و علمی و فرهنگی و خودکفایی را ترجیح می‌دهد.

قلمبر

* بیست روز پیش، فایل صوتی شامل مطالب توهین‌آمیز به نظام، در سایت کتاب‌نوار منتشر گردید ولی متاسفانه تاکنون مسئولان قوه قضائیه برخوردی نکرده‌اند. در حالی که انتظار می‌رود با احضار مدیرعامل شرکت مذکور برخورد بازدارنده صورت بگیرد.

مصلحی

* مشکلی که مردم و جامعه را رنج می‌دهد این است که کشور در شرایط «جنگ اقتصادی» است، اما مدیریت گمرکات هنوز با ذهنیت «شرایط عادی» اداره می‌شود.

اوحدی

* مسئولان سازمان آب اعلام کردند مصرف آب تهرانی‌ها ۷,۷ درصد کاهش یافته است. گفته می‌شود این کاهش مصرف حاصل همراهی مردم، تغییر رفتار شهروندان و استقبال از طرح‌های مدیریت مصرف، به‌ویژه استفاده از تجهیزات کاهنده مصرف آب است و آمارها به‌خوبی نشان می‌دهد که شهروندان تهرانی در مسیر اصلاح الگوی مصرف گام برداشته‌اند. جا دارد مورد تشویق قرار بگیرند.

عوض‌زاده

* بازنشسته‌ای هستم که حقوقم امسال بعد از گذشت چند ماه ۲۱ میلیون شده است. پیگیر مابه‌التفاوت دو ماه اول سال شدم گفتند با کمبود نقدینگی روبرو هستیم. در این شرایط خدا رو خوش نمی‌آید که به هر فوتبالیست برای یک فصل بازی چندین میلیارد تومان پول بی‌زبان بدهند.

توکلی